

نامه‌های رسیده

بسمه تعالی

جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر اژه‌ای سلام علیکم

با آرزوی سلامتی و توفیقات روزافزون برای حضرتعالی، برای اینجانب به عنوان همکار قرآنی باعث بسی افتخار و مباهات است که شخصیتی با ویژگی‌های علمی، اخلاقی و بینش‌مغزنی چون جنابعالی در رأس خدمتگزاران فرهیختگان این مرز و بوم است و از ابداع و خلافت شما در دایر نمودن مراکز سمپاد قدردانی و تشکر می‌گردد و پاداش این کار پرورش استعدادهای خلاق و تقدیم عملکرد آنها به ملت شریف ایران در زمان حال و آینده می‌باشد.

آنچه به نظر حقیر به عنوان کمترین رسیده است که شاید به نظر شما سرورگرامی و سایر دست‌اندرکاران هم رسیده باشد و شاید در دستور کارتان باشد، این است که اداره مدارس سمپاد با این شیوه‌کهنه آموزشی با همه وصله‌های تعمیمی که به عنوان مسکن بر این شیوه زده می‌شود، جفائی است که بر نسل پیشرو و فعال این مرز و بوم می‌رود. با توجه به نیازی که جامعه امروز در شکستن قفل‌های کهنه قواعد و قوانین قدیمی و جایگزین کردن قوانین پویا برای نسل امروزی احساس می‌گردد، انتخاب کردن و جدا کردن این عزیزان و سیراب نکردن عطش علمی و اخلاقی و هم چنین بالا بردن سطح توقع خود دانش‌آموز و خانواده آن به بدنه فرهنگی جامعه صدمه می‌زند، لذا بر همگان است که اقداماتی در این راستا صورت گیرد. به همین جهت اینجانب پیشنهادهایی دارم:

1- چون این مدارس خاص هستند حتی‌المقدور شیوه آموزش آنها نو و به روز باشد و از الگوهای موفق روز دنیا با اهداف آموزش و پرورش کشور تلفیقی صورت گیرد. با توجه به احاطه‌ای که شما

استادگرامی بر مشکلات این طرح با توجه به قوانین دست و پاگیر آموزش و پرورش دارید انتظار می‌رود بتوانید دیگران را از اهمیت موضوع آگاه، توجه و متقاعد فرمائید.

۲- حقیر از منابع مالی و تأمین اعتبار این مدارس اطلاعی ندارم، ولی پیشنهاد می‌گردد مقداری از بودجه مراکز با شیوه جدید با توجه به امکانات وسیع و هزینه سنگین از درآمد و بودجه استانی و شهرستانی تأمین گردد.

۳- خانواده‌ها به عنوان بزرگترین پشتیبان برای تربیت و آموزش فرزندان این مرزوبوم باید در راستای اهداف آموزشی جدید و حتی فعلی آموزش مستمر و مستقیم ببینند تا کمک کار خوبی برای مربیان و برنامه‌نویسان باشند تا تلاش همگان سریعتر و با کارایی بالاتر به نتیجه برسد.

واقع امر این است که شیوه فعلی با امکانات امروزی جامعه و خانواده‌ها برای دانش‌آموزان رضایت‌بخش نیست. قبلاً از اساعه ادبی که شد پوزش می‌طلبم.

با تشکر فراوان

محمد پرویز دجس دیر قرآن مرکز استعداد های درخشان استان یزد
رأهنمای شهید صدوقی

● استعدادهای درخشان: سیاه در محدود دای که برایش تعریف شده سعی می‌نماید برای مراکز ۱- منابع کتابخانه‌ای را تکمیل و تجهیز نماید، ۲- با برگزاری رقابت‌های علمی در سطح بلای دانش‌آموزی را به رعایت‌های سالم و پژوهشی بکشد به طوری که تنها محلی که در آموزش عمومی به طرح پژوهشی مساعدت مالی می‌کند از سوی سیاه است و ۳- کتب تکمیلی خود را تغییر دهد. این امر با وجود تریدهای سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ در مورد ماندن یا نماندن سیاه و وقفه‌ای اساسی و ابرای سیاه به وجود آورد، اما مجدداً در سال ۱۳۸۴ این تریدها از بخش برود با وجود این، ضمن اجبار به رعایت قواعد و قوانین مصوب آموزش عمومی کشور سعی می‌شود شادابی علمی در مراکز وجود داشته باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام

جناب آقای دکتر ازهای سردبیر محترم مجله استعداد های درخشان

همین الان که دارم این نامه را می‌نویسم «مجله استعداد های درخشان» زیر دستم است. مرا ببخشید که با این نامه بی‌ارزش، مزاحم اوقات شریف جناب عالی شدم.

من ف.د. یکی از دانش‌آموزان مرکز فرزندان شهریار هستم. ببخشید اگر خطم بد است فردا امتحان فیزیک دارم. امروز که جمعه بود، خیلی تلاش کردم، من در کلاس اول راهنمایی درس می‌خوانم. مشکل من این است که مدرسه فرزندان دیگر در نزدیکی ما نیست و مدرسه ما فقط رشته ریاضی فیزیک و تجربی دارد. من هم به این جور رشته‌ها علاقه‌مند نیستم، راستش را بخواهید من به

رشته‌های فنی علاقه دارم. من نمی‌خواهم به مدرسه دولتی برگردم، فکر می‌کنم استعدادهای درخشان مرکز خوبی برای بچه‌هایی مثل من است. نمی‌شود یک بچه زرنگ در یک مدرسه دولتی در کنار یک بچه تپیل بنشیند و هر درسی آن بچه بخواند دیگری هم مجبور باشد آن را بخواند. واقعاً نمی‌توانم کاری بکنم. خواهش می‌کنم راه حلی برای من پیشنهاد کنید. مدرسه ما خیلی با امکانات است. از مدیر شریفمان و معاون محترم و هم چنین از دبیران محترمه، تشکر می‌کنم.

و من ... انتوفیق. فید. دانش‌آموزان لراهمایی
دیزانگان شهیر

● استعدادهای درخشان: متأسفانه رشته‌های کار دانش و فنی حرفه‌ای در برنامه مراکز سیاده نیست و این عزیزان باید خود به انتخاب بپردازند.

به نام خدا

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان
احتراماً به استحضار عالی می‌رساند همچنان که مستحضربید دانش‌آموزانی که در امتحان ورودی دوره راهنمایی مدارس استعدادهای درخشان پذیرفته می‌شوند، قریب به اتفاق آنان دانش‌آموزان زبده هستند. البته شاید به طور تصادفی و به ندرت دانش‌آموزانی هم که در این سطح بالا نیستند وارد این مدارس بشوند که خودبخود همچنان که شاهد هستیم در طول دوران تحصیل به علت عدم توانایی خودشان کنار می‌روند و تا به دوره دبیرستان برسند خودشان کنار رفته‌اند که مثل سسی مرغ و سبیرغ صدق می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد درشتن این باشد که این دانش‌آموزان بدون آزمون ورودی و به طور مستقیم وارد دبیرستان شوند اما به چه دلیل نه تنها اینطور نشده، بلکه سهمیه‌ای هم که اینها داشته‌اند (در امتحان ورودی) گویا از دوسال پیش برداشته شده است. اگر دلیل این کار این باشد که بگوییم اگر این دانش‌آموزان واقعاً از نظر علمی بالاترند باید بتوانند با دانش‌آموزان دیگر رقابت کنند والا داشتن سهمیه باعث ضایع شدن حق دانش‌آموزان دیگر می‌شود که این نظر از جنبه عدالت درست به نظر می‌رسد و مردم پسند است، اما اگر مسئولانه و بدون تعصب به مسئله نگاه کنیم درمی‌یابیم که این دانش‌آموزان در مرحله ورود به راهنمایی با همپایه‌های خودشان سنجیده شده‌اند، سنجش دوم چه لزومی دارد؟ حتی اگر دانش‌آموزان دیگر در سطح این مدارس (با معلم خصوصی و کار با کتابهای اضافی اینها) درس بخوانند، در شرایط مساوی چه کسی حق بیشتر دارد؟

دانش‌آموزی که قدرت تلاش و ترقی دارد بالاخره جایگاه خودش را پیدا خواهد کرد، چه وارد این مدارس بشود چه نشود. اما دانش‌آموزی که در این مدارس درس خوانده و تلاش کرده و توانایی بالا دارد، اگر به طور تصادفی (مثلاً به علت کسالت) نتواند در این مرحله پذیرفته شود و از این مدرسه به

مدرسه‌ عادی برگردانده شود، ضربه روحی فوق‌العاده شدیدی خواهد خورد که به احتمال قوی غیرقابل جبران است. مسئولین سازمان چطور این مسئولیت بزرگ را می‌پذیرند و رضا می‌دهند که دانش‌آموزی دچار چنین بحران خطرناکی شود. از مدرسه‌ عادی به مدرسه‌ استعدادهای درخشان وارد شدن فوق‌العاده خوب و خوشحال کننده است، اما برعکس آن فوق‌العاده خطرناک، چون دانش‌آموزان در این سن فوق‌العاده حساس و در اوج غرور هستند، درحالی که هنوز از آن ثبات و استواری که بتوانند این بحران را بدون عارضه پشت‌سر بگذارند برخوردار نیستند. بنابراین به احتمال خیلی زیاد می‌شکنند و دچار افت تحصیلی و عواقب آن می‌شوند. آیا رواست؟

از آن مقام محترم تقاضای تجدیدنظر و بررسی بیشتر این موضوع مهم را دارد.

دکتر رضا اکبری
رفسنجان

● استعدادهای درخشان: چنده کتبه با این ولی عزیز و دیگر اولیاء که اینگونه می‌اندیشند: الف - کنکور ورود به دبیرستان سالهاست برگزار می‌شود، البته در «رفسنجان» چون مراکز در سال ۱۳۸۳ تأسیس شده است اولین سال است که کنکور ورودی به دبیرستان راهنمایی‌ها صورت می‌گیرد.

ب - کنکور ورودی به دبیرستان برای دانش‌آموزان مرکز با مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز در طول سه سال صورت می‌گیرد.

ج - از نظر هیئت امنا سپاه مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان، هشتاد مقطع تحصیلی دانشگاهی هستند و باید دانش‌آموزان در دو کنکور شرکت نمایند.

د - در صورت توانمند بودن دانش‌آموز سپاه مقطع راهنمایی داوطلبان خارج از مراکز برای دبیرستان سهبه، خود را دارند و مشکلی برای دانش‌آموزان پایه سوم بوجود نمی‌آورند.

ه - برای انتقال از شهری به شهر دیگر، اگر امتیاز ورودی به دبیرستان وجود نداشته باشد، در این مقطع امکان دیگری نداریم و نمی‌شود با دو نظام ارزیابی با این جایگاهی‌ها که بسیار زیاد هم می‌باشد برخورد نمود.

و - حال اگر بر اساس نظر این ولی عزیز کسی در ورودیه راهنمایی یا مشکلی (بیماری) رویو شده نتوانست قبول شود، چرا این شانس را مجدداً در کنکور ورودی به دبیرستان از او بگیریم.

به نام خدا

حضور محترم ریاست سازمان پرورش استعدادهای درخشان

با سلام و اهدای ادب و احترام

پیش از هر چیز بر خود لازم می‌دانم که از زحمات بی‌شائبه جنابعالی و همکاران گرامستان در راه رشد و بالندگی فرزندان ایران عزیز صمیمانه قدردانی کنم.

به عنوان والدین کودکانی که در مقاطع مختلف ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان تحصیل می‌نمایند، برخورد فرض دانستم که برخی از نکات و واقعیهایی موجود، که ممکن است از دید مسئولین محترم پنهان مانده باشد، را مطرح نمایم، با این امید که گامی باشد هرچند کوچک در راه پیشرفت و سرفرازی مبین عزیزمان.

مسئله‌ای که در سالهای اخیر به وضوح دیده می‌شود، تلاش مسئولین مدارس ابتدایی و راهنمایی و والدین و دانش‌آموزان این مقاطع، برای راهیابی محصلین به مدارس ویژه تیزهوشان است.

طرح‌گزینش نخبگان و سعی در پرورش هرچه بهتر استعدادها، آنان، به خودی خود طرحی بسیار شایان توجه و کارآمد است که اگر به طور صحیح و زیرنظر متخصصین مجرب صورت گیرد، بدون شک نقش مهمی در اعتلای علمی دانش‌آموزان و دلگرمی و رضایت آنان از ادامه تحصیل و خدمت در داخل کشور خواهد داشت. ولی نکته قابل تعمق این است که به نظر می‌رسد شیوه فعلی گزینش نخبگان از دقت و کارآیی لازم برخوردار نیست. در شیوه فعلی، امتحاناتی در قالب خاص و در زمان مشخص برگزار می‌شود و با توجه به نمرات کسب شده و امکانات هر منطقه، دانش‌آموزانی برگزیده می‌شوند. این روش باعث شده است که در بسیاری از مدارس، شالوده اصلی آموزش بر قالب این آزمون نهاده شود و دانش‌آموزان بدون توجه به روحیات، استعدادها و قابلیت‌های خاص هر یک، و در واقع بدون عنایت به بهره‌دهی واقعی آنان، تحت آموزش‌های خاص قرار گیرند. در این راستا، برنامه‌های بسیار سنگین و اکثراً کم ارزش، برای آشنا کردن دانش‌آموزان با شیوه‌های تست زدن، حل سریع مسائل از طریق فرمول، کسب اطلاعات نکته‌ای و اصطلاحاً تستی و از این قبیل تدارک دیده می‌شود.

تأکید بر این امور تا حدی است که دانش‌آموزان را از تمرکز به محتوای اصلی کتب درسی (که با استفاده از کارشناسان مجرب نگارش شده‌اند) بازداشته و به جای تفکر و خلاقیت، به از برکردن حجم زیادی از نکات به اصطلاح تستی وادار می‌سازد.

نکته دیگری که واقعاً اسف‌انگیز است آن است که در این آشفته بازار، عده‌ی نه چندان کمی از آموزگاران، به جای ارائه بهترین عملکرد در کلاس درس، به وضوح دانش‌آموزان را به استفاده از کلاسهای خصوصی (والثه یا حتی اندرس‌های بسیار زیاد) تشویق می‌نمایند.

بازهم جای تأسف است که والدین دانش‌آموزان نیز تحت تأثیر این جو و به دلیل نگرانی از آینده فرزندان و تمایل به تحصیل آنان در بهترین مدارس (۱) آب به این آسیاب ریخته با تحمیل فشار مضاعف روانی و مالی بر خود و فرزندانشان مرتباً آنها را از یک کلاس به کلاس دیگر می‌برند، غافل از آن که اگر این فرزند واقعاً تیزهوش نباشد (۲) در صورت ورود به مدارس استعدادهای درخشان نیز

دچار مشکل شده و این دور باطل همچنان ادامه خواهد یافت.

در چنین شرایطی دیده می‌شود که جو رقابتی بسیار ناسالمی نیز در میان دانش‌آموزان مدارس ایجاد شده است که به وضوح سلامت روحی و اخلاقی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در نهایت بسیار مشاهده می‌شود که کودکانی با بهره‌های بسیار بالا از راهیابی به مدارس تیزهوشان بازمی‌مانند و در عوض دانش‌آموزانی بدون داشتن شایستگی لازم، و به مدد آموزگاران خصوصی، کلاسهای گوناگون، و صرف وقت و هزینه فراوان والدین به این مدارس راه می‌یابند. این چرخه معیوب، حتی در مدارس تیزهوشان نیز ادامه می‌یابد و سبب می‌شود که دانش‌آموزان این مراکز به جای پرداختن به خلاقیت، نوآوری، مشاهده، آزمایش و تحقیق، فقط به تلاش از هر طریق، برای کسب نمره بالاتر بپردازند، که مسلماً این هدف سازمانی به اهمیت و حساسیت سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان، نیست.

در پایان امیدواریم که با عنایت به واقعیت‌های موجود و با درایت مسئولین گرامی، تلاشهای این عزیزان در جهت بارور نمودن نهال انقلاب اسلامی هرچه بیشتر متمرکز واقع گردد. گزینش دقیق‌تر دانش‌آموزان، با رعایت استانداردهای موجود و با برگزاری آزمون‌هایی در زمان‌های تصادفی و بدون اطلاع قبلی دانش‌آموزان، می‌تواند راهکار مؤثری در این راستا باشد.

و من، ا. التوفیق

با تشکر - جمعی از والدین دانش‌آموزان مدارس سیب‌استفهان

● استعدادها در خندان: هرکس از سیب‌دیرسد برای آمادگی کنکورهایش چه کنیم؟ پاسخ ما اینست: مطالب کتابهای عرصی را ببینید، بنابراین اگر دانش‌آموزی مطالب را خوب نفهمیده باشد اگر در مرحله اول هم قبول شود، در مرحله دوم حذف می‌شود، به گونه‌ای که به صورت میانگین حدود ۳۱ درصد از کسانی که اگر کنکور سیب‌دیر یک مرحله‌ای بود قبول می‌شدند، در مرحله دوم حذف می‌شوند. اما ادعای نویسندگان دلسوز نلمه که بسیار مشاهده می‌شود که کودکانی با بهره‌های بسیار بالا از دنیایی به مدارس تیزهوشان باز می‌مانند، یک شعار غیر تجربی است. اگر چنین بود، چند درصد موفقیت شغورستانی‌هایی که سیب‌دیر در آنجا مرکز دارد در حوزه‌های سیب‌دیر اختصاص نمی‌یافت. برخی مدارس غیرانتفاعی خاص هم بعد از قبولی دانش‌آموز در مراکز سیب‌دیر، با اعتماد به کنکور این سازمان با تخفیف‌های ویژه دانش‌آموز را جذب می‌نمایند و حتی از ارائه امکانات رایگان منقذمانی برای دوله پاشیدن در حوزه‌های ثبت نام ابانی نگارنده‌ها برای ما مهم اینست که دانش‌آموز استعدادش شکوفا شود، حال تو هر محیط آموزشی مناسب که باشد، فرقی نمی‌کند. در مورد آموزگاران کلاسهای خصوصی هم در یکی از شماره‌های قبلی مجله بر اساس نامه یکی از مدیران سیب‌دیریم که این افراد پایه علم به عدم موفقیت از دریافت وجه‌های کلان چشم‌پوشی نمی‌کنند و خودشان می‌گویند قبول از دوره شانس قبولی یا عدم قبولی افراد تا حد زیادی روشن است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۖ لَنَا أَعْمَالُنَا وَنَحْمُكَ أَعْمَالُكُمْ ۖ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ ۖ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ
 با عرض سلام و خسته نباشید خدمت دست اندرکاران، اسزمان ملی پرورش استعدادهای درخشان،
 به عنوان اولیای یکی از دانش‌آموزان پایه دوم راهنمایی مجتمع پسرانه ... شهرستان ... در خصوص
 نحوه تدریس برخی از دروس در آن مرکز آموزشی، نکاتی را به عرض می‌رسانیم که لازم است
 پیگیری و اقدامات جدی در خصوص آن به عمل آید. خود بر این امر واقفید که در کنار کتابهای
 وزارتی در این مراکز آموزشی، کتابهای تکمیلی برای برخی دروس در نظر گرفته شده که مطابق با ذهن
 و استعداد این دانش‌آموزان می‌باشد. کتابهایی که با روشهایی مناسب مطالب قابل فهم و جذابی را برای
 آنان ارائه می‌دهد. حال برخی دبیران در مرکز سمپاد ... کوچکترین توجهی به کتابهای تکمیلی و حتی
 وزارتی نکرده و به جای آنها، مطالب بسیار سنگین و غیر قابل فهم و در حد سالهای آخر متوسطه
 تدریس می‌کنند که جز گیجی و سردرگمی نتیجه‌ای برای دانش‌آموزان ندارد. به عنوان مثال دبیر
 محترم فیزیک و زیست آن آموزشگاه (آقای ی.) چه در سال گذشته و چه در سال جدید به جای
 اهمیت دادن به کتابهای درسی (علوم تجربی وزارتی و فیزیک تکمیلی)، جزوات و فرمولهای بسیار
 سخت و پیچیده در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد که هیچ تناسبی بین این مسائل و ذهن کوچک
 آنها وجود ندارد. انگار دبیر محترم فراموش کرده که این دانش‌آموزان که با هزاران امید و آرزو وارد
 این مدرسه شده‌اند، دانش‌آموزانی ممتاز و با استعدادی هستند که استعدادهای آنها باید به وسیله دست
 اندرکاران آن مدرسه به نحو شایسته‌ای شکوفا شود. حال مواجه شدن با مطالب سنگین نه تنها هیچ
 فایده‌ای برای دانش‌آموزان ندارد بلکه فقط باعث از دست رفتن اعتماد به نفس و خودباوری آنها
 می‌شود. سال گذشته که چندین بار مراتب اعتراض خود را به آن مرکز آموزشی اعلام کردیم، هیچ‌گونه
 ترتیب اثری داده نشد، بلکه به علت عدم توانایی دانش‌آموزان در درک و یادگیری این مطالب سنگین،
 فقط تعداد شاگردان خصوصی آقای ی. افزایش یافته و جز تحمیل هزینه‌های سنگین بر خانواده‌هایی
 که اکثراً از قشر متوسط یا محروم جامعه‌اند فایده‌ای نداشت. حال سؤال این است که آیا اسزمان ملی
 پرورش استعدادهای درخشان، دست دبیران گرامی را در امر آموزش باز گذاشته‌اند تا آنها آنچه خود
 صلاح می‌دانند تدریس کنند؟ اگر جواب مثبت است پس ارسال کتابهای مکمل چه معنایی دارد؟ طبق
 آنچه از خانواده‌های دانش‌آموزان مجتمع دخترانه سمپاد شنیده شده، تدریس در مرکز دخترانه طبق
 کتابهای وزارتی و مکمل می‌باشد و دانش‌آموزان آن مرکز، کوچکترین فشاری را احساس نکرده و با
 آرامش تحصیل را دنبال می‌کنند. چرا باید تفاوت در روش تدریس در دو مرکز مشابه، در یک شهر

اینقدر زیاد باشد؟ چرا نظارتی بر نحوه عملکرد و میزان رضایت دانش‌آموزان از عملکرد دبیران آن مراکز نمی‌شود؟ دانش‌آموزانی که با تواناییهای خود وارد این مراکز شده‌اند و برای ادامه تحصیل حتی شهریه نیز می‌پردازند، آیا نباید انتظاری از مسئولین آن مرکز و دبیران خود در جهت جلب رضایت آنان داشته باشند؟ اکنون دانش‌آموزان پسر و خانواده‌های آنان نگران سلیقه‌ای عمل کردن و داغ کردن بازار تدریس خصوصی دبیرانی مانند آقای بی. هستند که در پایه دوم هم تدریس فیزیک را به عهده دارند و هم زیست. مسئولین آن مرکز آموزشی هم انگار توان متقاعد کردن آن دبیر محترم را ندارند چون هیچ تغییری در روند تدریس او در سال جدید هم مشاهده نشده و گرفتاری‌ها همچنان ادامه دارد. بنابراین به نظر می‌رسد برای پرورش ذهن خلاق آینده سازان مبین اسلامی، تدریس کتابهای عادی و تکمیلی که طبق استانداردهایی تهیه شده، کافی باشد. این کتابها خود فراتر از کتابهای عادی هستند و لزومی ندارد فرمولها و مطالبی فراتر برای آنان ارائه شود و عجیب‌تر آنکه وقتی دانش‌آموزان موفق می‌شوند به هر ترتیبی این مطالب را به ذهن بسپارند، وقتی برگه سؤالات استحالی را جلوی خود می‌بینند با فرمولها و مسائل جدیدی روبه‌رو می‌شوند که هرگز آنها را نشنیده‌اند و تاکنون هیچ اشاره‌ای به آن نشده است و وقتی هم از دبیر خود راهنمایی می‌خواهند جوابی نمی‌شنوند که در خود آنها باشد. چرا باید حس اعتماد به نفس و خودباوری فرزندانمان را با تحمیل مطالبی که ضرورتی ندارد تضعیف کنیم؟ آیا هدف از آموزش دانش‌آموزان به خصوص در مدارس خاص، ایجاد سرخوردگی و ناامیدی و تضعیف روحیه آنان است یا امید به آینده، اعتماد به نفس و یافتن انگیزه برای پیشرفت هر چه بیشتر؟ حال امید ما، بعد از خداوند بزرگ، به شما خدمتگزاران عزیز در «سجاد» می‌باشد. امیدواریم با پیگیری هر چه سریعتر، در بهبود وضعیت آموزش و رفع نگرانیهای دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها اقدام نموده و انشاءالله که با رفع این مشکل، دعای خیر خانواده‌های این دانش‌آموزان را که ما به عنوان جزئی از کل، حرفهای دل آنها را بیان کردیم، برای همیشه به همراه داشته باشیم.

و من الله التوفیق. ریح ولى دانش‌آموز

● اسعد دای درخشان: متأسفانه، در مرکز پسرانه، این شهر نظارتی بر نحوه عملکرد معلمان نیست و گرنه با تأکیدی که به مدیران شده نمی‌بایست برای استفاده شخصی به دانش‌آموزان فشار وارد آید. هیچ معلمی حق ندارد بخش ابراهیم‌نشین‌های او به دانش‌آموزان در تدریس و آزمون تحمیل کند و در صورت اقدام معلمان، از نظر سبب جین معلمان باید از مرکز اخراج شوند. البته پداسخ به نیازهای علمی دانش‌آموزان فراتر از کتب درسی ربطی به این امر ندارد. امید است با اصلاح رفتار این‌گونه معلمان امکان استفاده مطلوب از آنها برای سپاه باقی بماند و گرنه حداقل اقدام انضالی آنها به مدارس عادی و پیگیری اداری در مورد سوء استفاده از موقعیت درسی آنان می‌باشد؛ به خصوص اگر سوء استفاده تدریس خصوصی هم پیامش باشد.

بسمه تعالی

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعداددهای درخشان جناب آقای دکتر اژهای با احترام باستحضار حضر تعالی می‌رساند اینجانب (م.خ.ه) ولی دانش آموز ۱۶۱-خ پذیرفته شده سال تحصیلی ۸۶-۸۵ سال اول دبیرستان مرکز تیزهوشان... چون ما در یکی شهرستانهای استان سکونت داشتیم به خاطر تحصیل فرزندانمان به استان عزیمت نموده و تا تاریخ ۸۵/۹/۸ فرزندانمان در مرکز تیزهوشان این شهر مشغول به تحصیل بود که پس از مدتی اقامت خانواده در شهر... همسرم دچار ناراحتی روحی و افسردگی شدید شدند که پزشکان توصیه برگشت به شهرستان دیگری را نمودند. ما هم به ناچار به شهرستان برگشتیم و فرزندانمان را در دبیرستان نمونه دولتی آن شهر ثبت نام نمودیم. اما تاکنون ایشان نتوانسته خودش را با شرایط شهرستان وفق دهد، طوری که شبها کابوس دبیرستان تیزهوشان را می‌بیند و تمام فکرش تیزهوشان شهر... می‌باشد و اصرار به برگشت دارد و از نظر روحی آسیب دیده است و تمایل به ادامه تحصیل در شهرستان را ندارد. لذا خواهشمند است به خاطر رضای خدا و تسکین و آرامش ایشان موافقت نمایند تا دوباره بتوانند در مرکز تیزهوشان شهر... ادامه تحصیل دهد. در ضمن محل اسکان دانش آموز با هماهنگی به عمل آمده، خوابگاه نمونه دولتی مرکز استان می‌باشد. ضمناً بنده نیز یک فرهنگی و در نظام تعلیم و تربیت مشغول انجام وظیفه می‌باشم. از همکاری شما کمال تشکر و قدردانی می‌شود.

«تسریع در امور مزیدامتان خواهد بود»

ولی دانش آموز...

- استعداددهای درخشان: در صورت جابجایی دانش آموزی به مراکز دیگر، بر اساس مصوبه هیئت انشاء چنانچه «وقفه تحصیلی» برای دانش آموز پیش نیاید، می‌تواند به مرکز قبلی مراجعه کند. این دانش آموز هم به نظر می‌آید مشکلی نداشته است که به معاونت آموزشی سپیاد دستور لازم داده شده است.

به نام خدا

با سلام خدمت جناب آقای دکتر اژهای

ضمن عرض خسته نباشید و تشکر از زحمات شما، طی مراسم اختتامیه «طرح حمایت از پروژه‌های دانش آموزی سپیاد» ما، جمعی از دانش آموزان دبیرستان فرزندانگان... با خود فکر کردیم که شاید فرصتی از این بهتر برای ما به وجود نیاید تا بتوانیم حرفهای نگفته را مستقیم به محضر شما برسانیم و مطمئن باشیم که حداقل نامه را بدون واسطه به دست کسی می‌رسانیم که به نوعی تمام این سیستم آموزشی را زیر نظر دارد.

آقای اژدهای! به نظر ما خیلی بهتر بود اگر می‌توانستید ترتیبی دهید تا از مدارس سمپاد بازرسی به عمل بیاید، به درد دل‌های ما گوش دهند و در فکر پیشرفت مدارسمان باشند. جناب اژدهای، چرا وقتی درخواستی از مسئولین داریم مثلاً درخواست داشتن معلم‌های بهتر به ما می‌گویند «آن مدرسه‌ای که شما خود را با آنها مقایسه می‌کنید غیر انتفاعی هستند!!!» آخر آیا جواب ما این است؟ خوب ما هم سمپاد هستیم. زمانی بود که تنها اسم سمپاد هم برای همه قابل احترام بود ولی حالا به راحتی نام غیر انتفاعی را به عنوان بهترین مدارس به کار می‌برند. آقای اژدهای این تنها قسمتی از مشکلات بود. کمیود جا، کلاس، امکانات سمعی بصری و... دیگر مواردی هستند جایز نیست که تمام حرف‌های گفته در مدرسه را به اطلاعات برسانیم.

در پایان پوزش می‌طلبیم به خاطر چهره‌نا مرتب صفحه‌نامه. ما این متن را دوبار عوض کردیم و هر بار سعی بر این داشتیم تا از دفعه قبل بسته‌تر صحبت کنیم زیرا نسخه‌های اول بسیار صریح بودند. شاید با بسته بیان کردن مطالب شما را بهتر متقاعد کنیم تا سری به مدرسه ما بزنید.

باز هم به خاطر بد خطی عذر خواهی می‌کنم. این نسخه آخر را در تا کسی نوشتیم. این موضوع آن قدر پرابهتان مهم و ارزشمند است که حاضر شدیم نامه را به شما به حالت دست نویس بدهیم ولی حتماً بدهیم.

با تشکر فراوان از زحماتتان
گروهی از دانش‌آموزان دبیرستان فرزانگان.

● اسعدادهای درخشان: مشکلات نابین نیو و از سوی مدیران، برای مراکز قصه‌ای طولانی است، هر مصوبه‌ای راهها را بر سمپاد عملاً می‌بندد و برای غیر انتفاعی می‌گشاید. چکه سفید برخی از مدارس غیر انتفاعی به دانش‌آموزان سمپاد برای به رانو در آوردن این مراکز از مورد گزارش شده؛ قطعی است و نا حدی هم موذیت داشته‌اند، لذا عزیزان سمپادی نباید همه کاستی‌های را از دید مدیر مرکز در همه موارد ببینند ما هم تلاش می‌کنیم جایگاه رفیع مراکز سمپاد در هم تریز.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پدر عزیز تمام سمپادی‌ها جناب آقای دکتر اژدهای:

با عرض سلام و خسته نباشید خدمتتان، امیدوارم حالتان خوب باشد و بتوانید نامه‌های ما را بخوانید و برای حل مشکلاتمان راه حلی بیابید. می‌خواهم بدون حرف‌های اضافه بروم سراصل مطلب. من دانش‌آموز کلاس سوم راهنمایی فرزانگان... هستم. ما چهارشنبه مورخ ۱۱/۱۸ شهر... را به مقصد شهر... برای مسابقات قرآن مرحله انتخابی ترک کردیم. قرار بود مسابقات حفظ و قرائت پنجشنبه و

مسابقه جست و جوی قرآنی جمعه برگزار شود.

مراسم افتتاحیه که بماند، طبق برنامه‌ای که به ما داده شده بود قرار بود رأس ساعت ۱/۳۰ مسابقات حفظ و قرائت آغاز و رأس ساعت ۷/۳۰ به پایان رسد. ما پس از مراسم افتتاحیه [ظهور] به خوابگاه برگشتیم. مسئول خوابگاه به ما گفتند که رأس ساعت ۲ همگی در محل مسابقه حاضر شوید. ما هم ساعت ۲ همگی آنجا بودیم. ساعت ۲/۳۰ داوران رسیدند و تا ساعت ۴/۳۰ منتظر ماندیم تا جناب آقای ناظر تشریف بیاورند و بالاخره با هزاران دردسر مسابقه حفظ آغاز و ساعت ۸ به پایان رسید. نکته جالب توجه مسابقه این بود که در وسط مسابقه داوران برای سرگرمی دانش‌آموزان رو به ما گفتند: «هر کس کلاز جالب باخته‌ده اری بلد است بیاید و نشان دهد!» سپس چند دانش‌آموز رفتند شعر خواندند و... به این ترتیب نیم ساعت از وقت ما را گرفتند. سپس نوبت به قاریان رسید.

پس از قرائت اولین نفر نتایج رشته حفظ را اعلام کردند. در رشته حفظ مقطع راهنمایی نفرات اول و سوم از شهر میزبان بودند که نفر اول کلمه «وَأَتَقُوا اللَّهَ» را جا انداخت و داوران نه امتیاز کسر کردند و نه تذکر دادند. اما به نفر دوم که از دوستان من بود تذکر دادند. هنگامی که برای بار دوم حرف «او» را گفت امتیاز کسر کردند [البته می‌دانم باید کم می‌کردند]. در حفظ ویژه حسین مقطع نیز شهر میزبان یک شرکت کننده داشت و او را اول اعلام کردند. در حفظ و حفظ ویژه مقطع دبیرستان نیز به ترتیب نفرات سوم و اول از شهرستان میزبان بودند.

آنان ما را تا ساعت ۱۰/۱۵ شب در دالالقرآن نگه داشتند و آخر سر هم گفتند که بروید و فردا برای اعلام نتایج رشته قرائت بیاید و نگذاشتند طبق برنامه به بازدید از شهر و برنامه‌های دیگر بپردازیم. روز جمعه رأس ساعت ۸ همه در جلسه حاضر بودیم و در حالی که قبلاً ساعت مشخصی را انتخاب کرده بودیم ساعت ۱۰ داوران رسیدند و نتایج رشته قرائت را اعلام کردند در قرائت پایه راهنمایی نفرات اول و دوم از شهر میزبان بودند و نفر سوم از دوستان خود بود. با نفرات اول و سوم کاری ندارم، زیرا هر دوی آنان به خوبی قرائت کرده بودند. اما نفر دوم نه صوت زیبایی داشت و نه تجوید را رعایت می‌کرد. هنگامی که داوطلب شهر ما قرائت می‌کرد، تمام دبیرانی که آنجا حضور داشتند - قابل ذکر است که تمام آنان دبیران قرآن بودند و اکثرشان حکم داوری داشتند - می‌گفتند با اشتباه کوچکی که داشت نفر دوم می‌شد در صورتی که حتی نفر سوم هم نشد. در دبیرستان هم نفرات اول و دوم از شهر میزبان بودند و نفر سوم از ما بود و حقیقت نبود سوم شود و باید اول می‌شد. زیرا هیچ اشتباهی نداشت. نفر اولی که داوران انتخاب کرده بودند اشتباهاتی در روخوانی داشت و نفر دوم هم نه صوت بلد بود و نه روخوانی. هنگامی که قرآن می‌خواند به نظر می‌رسید که سر قبر مرده‌ای نشست بود و برای شادی روحش قرآن می‌خواند. ضمناً آنان صدای همه را ضبط نکردند و پس از انتخاب سه نفر برتر آنان را به قرظینه بردند

و فقط صدای آنان را ضبط کردند. تا به تهران بفرستند و بگویند که فقط این‌ها خوب بودند و بقیه اصلاً خوب نخوانده بودند یا چنین چیزی.

برنامه آنان درست و مرتب نبود و این نیز باعث ناراحتی همه شد. همین‌طور داوران به خوبی قضاوت نکرده بودند و این خشم همه را بیش از پیش برانگیخت.

جناب آقای دکتر ازماي من از شما خواهش می‌کنم به این موارد رسیدگی کنید. خواهش می‌کنم نگذارید حتی از کسی ضایع شود. دیگر اتفاقات را برایتان نمی‌نویسم زیرا می‌دانم سرتان را به درد آورده‌ام. اما خودتان قضاوت کنید که آیا این انصاف است که این همه دانش‌آموز حدود ۱۰۰ نفر یا بیشتر را به شهری بکشاند و سپس همه را از شهر میزبان انتخاب کنند؟ خواهش می‌کنم نگویند چنین چیزی هیچگاه اتفاق نمی‌افتد زیرا اتفاق افتاده است. من این نامه را با هزاران آرزو نوشته‌ام. امیدوارم به این شکایات رسیدگی کنید و جوابی به این نامه بدهید.

با تقدیم احترام

م. فد

کلاس سوم - راهمایی فزانگان...

● سفید نهدی درخشان: هر چند نوشد رو بعد از برگ مهرباب بود ولی نامه شما به حوزه کنگر، فرآیند ارسال گرید.

به نام خدا

بعد از ظهر یکی از روزهای بهاری که برای انجام برخی از کارهای مدرسه در دفتر کارم بودم، ناگهان احساس کردم که ماشینی در جلوی مدرسه ایستاده است. از صندلی برخاستم و از پنجره مشرف به خیابان، جلوی مدرسه را نگاه کردم. آقا و خانمی بودند که از ماشین پیاده شده و مدرسه را نگاه می‌کردند. یک لحظه متوجه شدم که چیزی را به داخل مدرسه پرت کردند و سپس سوار ماشین شده و رفتند. کنجکاو شدم فوری به حیاط مدرسه رفتم و مشغول جستجو به دنبال شیء پرتاب شده شدم. ناگهان تکه پارچه‌ای به اندازه گردو را که به صورت خاص گره خورده بود یافتم. کنجکاو می‌باشتم. شد پارچه را باز کردم متوجه چیز عجیبی شدم (از قدیم الام مردم منطقه بر این باور بودند که بند ناف هر کسی را هر جایی بیندازی، آینده آن فرد به آنجا ختم خواهد شد، خوب متوجه شده‌اید، داخل پارچه، بند ناف بود که آنها با اعتقاد قلبی به چنین مسأله‌ای، بند ناف فرزند تازه به دنیا آمده شان را با هزاران آرزو به داخل مدرسه (استعدادهای درخشان) انداخته بودند. ما نیز آرزو مندیم فرزند آنها

وقتی که بزرگ شد، فرد موفق و فرهیخته‌ای شود. اما مهم نوع نگرش و باور مردم نسبت به مدرسه استعدادهای درخشان و همه دانش‌آموزانی که دوست دارند در چنین مدرسه‌ای و چنین محیطی درس بخوانند، است.

دانش‌آموزان عزیز از اینکه خداوند شما را از نعمت بزرگ هوش و ذکاوت برخوردار ساخته، شکرگزار دائمی خداوند متعال باشید و قدر لحظات و فرصتهای کنونی و اولیای خود را بدانید و همیشه سپاسگزار آنان باشید.

با آرزوی توفیق برای همه شما
شهید عبداللهی - مدیر مرکز شهید بهشتی اردبیل

به نام خدا

جناب آقای دکتر اژم‌ای

خاطرهای در رابطه با مجله استعدادهای درخشان

من همیشه چشم به راه و منتظر مجله هستم و نکته به نکته آن را حفظ هستم. بعضی وقتها بعضی مقاله‌ها را چندین بار می‌خوانم. پست‌چی ما عوض شده بود و جدید بود. از بس من از او پرسیدم که برای ما چیزی نیامده است، او فکر کرده بود که چیز خاصی در این مجله‌ها هست. به نگهبان مدرسه گفته بود داخل این مجله‌ها چیست؟ نگهبان گفته بود: حتماً چیزهای خوبی است. بار دیگر به نگهبان گفته بود که من دادم به یک آدم باسوادی خواند، گفت این مجله مربوط به فشر خاصی است، پس چرا این خانم اینقدر حساس است که مجله آمده است یا نه. از آن به بعد هر بار آنها را باز می‌کنم، لایه‌لای آنها را می‌گردم ببینم پولی چیزی در آن نیست!

از همکاران سپید

✉ ✉ ✉

نامه‌ها و نوشته‌های شما عزیزان دریافت شد:

□ اراک، مرکز فرزندان، زهراسفیدگران؛ □ پروچرد، شهید بهشتی، بهرنگ سراج زاده؛ □ دزفول، مرکز فرزندان، اشرف شیخی؛ □ رشت، جمعی از اولیاء، مرکز فرزندان؛ □ ساری، شهید بهشتی، سیدمحمد آتامیری؛ □ مشهد، مرکز فرزندان، ۶، جمعی از دانش‌آموزان.

✉ ✉ ✉